روزنامه شهروند
فرهنگی. اجتماعی. سیاسی. اقتصادی
www.shahrvand-newspaper.ir
صفحه آخر
صاحب امتیاز: **جمعیت هلال احمر**
مدیر مسئول: **عبدالرسول وصال**
سردبیر: **کسری نوری**
نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۹۷
کدپستی: ۱۴۸۳۷۷۸۶۱۷
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰
تلفن: ۷ - ۴۴۹۵۶۱۰۱
چاپ: روزتاب
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن امور شهرستان‌ها: ۷-۴۴۹۵۶۱۰۱
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

اوقات شرعی:
|اذان صبح ۰۴:۰۱:۳۸|طلوع آفتاب ۰۵:۴۸:۱۲|
|اذان ظهر: ۱۳:۰۵:۱۶|غروب آفتاب: ۲۰:۲۲:۱۹|
|اذان مغرب: ۲۰:۴۳:۳۰|

شهروَنگ

منظورم اینجا، اونجا، همه‌جا

پدرام ابراهیمی
طنزنویس
pedram7@gmail.com

این داستان را شاهرخ، مسافرکش موتوری، برایم تعریف کرد.

«داشتم می‌چرخیدم تا مسافر پیدا کنم. درسته آفتاب داغ به مخ‌ملاجم می‌خورد و حسابی داشت ما رو شرمنده می‌کرد. خانمم میگه کرم ضدآفتاب بزن داری سرخپوست می‌شی ولی من اهل این نازک کاریا نیستم. درسته آفتاب ما رو گارانتی خدمات می‌کنه، ولی خب همین آفتاب باعث می‌شد مردم بخوان خودشونو زودتر از گرما خلاص کنن. همین‌طور که از کنار مردم رد می‌شدم از تکنیک «زُلینگ» استفاده می‌کردم. تو این روش آن‌قدر باید به چشم ملت زل بزنی تا بالاخره یکی تو رودربایستی بیفته و بتونی سوارش کنی. همین‌طور که مشغول زلینگ بودم، آقای ژیگول شیک و پیکی صدا زد: «موتوری!» ایستادم و موتور رو با کف پاهام به عقب بردم. به کنارش که رسیدم، کمی روی زین جابه‌جا شدم که یعنی «بپر بالا.»

کت و شلوار تر و تمیزی داشت. قدیم‌ها دیدن یک کت‌وشلواری پشت موتور خنده‌دار بود، ولی حالا عادی شده. دیگه همه مسافر ما هستن. ناظم مدرسه پسرم میگه تو ایران، موتور از ایمیل زودتر می‌رسه! داشتم می‌گفتم؛ بدون این که قیمتی با آقای ژیگول طی کنم نشست و گفت: «میدون نیلوفر؛ قربونت عجله دارم.» گفتم: «هفت تومن میشه.» گفت: «فقط برو.» البته ۶ تومن می‌شد. خواستم جا برای چونه زدن بذارم که دیگه کار به اونجاها نرسید. کیفش رو بین من و خودش جاداد و راه افتادیم. گوشی رو کنار گوشش گرفت: «الو؟ جناب نقیبی، من میدون نیلوفرم. ماشین رو پارک کنم الان خدمت می‌رسم.» چار تا قربان صدقه و چاکرم پاکرم اضافه کرد و رفت سراغ مشترک بعدی: «مخلصم جناب صمصام؛ قربان من الان کرجم...» اینو که گفت، از آینه نگاهش کردم. اونم منو نگاه کرد ولی زود نگاهش رو دزدید. «مشکلی برای مادرم پیش اومده؛ حلش کنم، مزاحم میشم.» وقتی قطع کرد، بدون این که من چیزی بپرسم، گفت: «بابا نمی‌دونی آدمو تو چه شرایطی قرار میدن. مجبوری بالاخره یه جور مدیریت کنی دیگه. هه هه هه هه...» البته من نمی‌خواستم به حرفاش گوش کنم ولی دهنش فوق فوقش دو وجب با گوش من فاصله داشت! از اون لبخندای «فرمایش شما متین» زدم. پشت چراغ وایساده بودیم که دوباره شروع شد؛ «الو، ارادتمندم جناب رضایی. قربان همسرم حالش بد شده تماس گرفتن گفتن خودتو برسون ببریمش درمانگاه. جناب رضایی اگر میشه من چک رو فردا پاس کنم...» بلافاصله بعد از اون: «الو سلام خوبی؟ مرجان من دارم میرم جاده ساوه به کارگاه سر بزنم...» داشت به مدیریت زمان و مکان ادامه می‌داد که چراغ سبز شد و یکی از همکاران محترم بنده به سرعت از کنارمون گذشت. همین باعث شد موبایل از دست آقای مدیر رها شه و با مخ بخوره روی آسفالت. بیچاره. دلم براش سوخت. از این گوشی گرونا بود. وسط خیابون زیر هجوم بوق ماشین‌هایی که نمی‌خواستن دوباره پشت چراغ وایسن، موبایلشو برداشت و آروم آروم رفتیم کنار. با وحشت گوشی را وارسی می‌کرد ببینه چه بلایی سرش اومده. گوشی رو که خاموش شده بود دوباره روشن کرد. نخیر، مثل این که موبایل شده بود راکت پینگ پنگ. خیلی اعصابش خرد بود و به جز به من، به تمام حاضران و غایبان در صحنه بد و بیراه می‌گفت. گفتم: «آقاالان کاری نمیشه کرد. بشین الان می‌رسیم. بقیه کاراتواونجا ردیف می‌کنی.» نشست و گفت: «بریم آقا؛ بریم که بیچاره شدم.» توی دلم گفتم: «همچین هم بیچاره نشدی. حالا شما دو دقیقه مدیریت نکنی به جایی برنمی‌خوره!» رسیدیم مقصد. ازش ۵ تومن گرفتم. فکر کنم کمی از غمش کم کرد. آقای مدیریت زمان (!) رفت و من موتور رو گذاشتم رو جک که از آبخوری پیاده‌رو استفاده کنم. بدجوری تشنه بودم. یک دقیقه نگذشته بود که طرف برگشت. سرش رو انداخته بود پایین و لب و لوچه‌اش مثل پنیر پیتزا کش اومده بود. نگاه دوستانه‌ای به چشماش کردم. خودش به حرف اومد: «صمصام و رضایی با نقیبی جلسه داشتند!»

کارتون شهر

نعیم تدین | کارتونیست | naeemator@gmail.com

این شرح بی‌نهایت...

آنچه بخوری، برود و آنچه بخورانی فراوان و پر برکت شود. **امام علی (ع)**

شمع شب‌افروز

ای به بدی کرده باز، چشم بدآموز را
بین به کمین گاه چرخ، ناوک دل‌دوز را
هر چه رسد سر بنه، زان که مسیر نشد
نیکویی آموختن، چرخ بدآموز را
سوخته غم مدار دل به چنین غم، از آنک
دل به کسی برنسوخت، مرگ جگرسوز را
پیر شدی کوژپشت، دل بکش از دست نفس
زانکه کمان کس نداد، دشمن کین‌توز را
چون تو شدی از میان، از تو به روز دگر
جمله فراموش کنند، یاد کن آن روز را
خود چو بدیدی که رفت، عمر بسان پریر
از پی فردا مدار، حاصل امروز را
نقد تو امشب خوش است، زانکه چو فردا به روز
قدر نباشد به روز، شمع شب افروز را
امیرخسرو دهلوی

داستانه

شاهینی که پرواز نمی‌کرد

پادشاهی ۲ شاهین کوچک به عنوان هدیه دریافت کرد. آنها را به مربی پرندگان دربار سپرد تا برای استفاده در مراسم شکار تربیت‌شان کند. یک ماه بعد، مربی نزد پادشاه آمد و گزارش داد یکی از شاهین‌ها به خوبی تربیت شده و آماده شکار است اما شاهین دوم از روزی که تحویل او شده روی شاخه یک درخت نشسته و هیچ علاقه‌ای به پرواز از خود نشان نداده است. این موضوع کنجکاوی پادشاه را برانگیخت و دستور داد تا حکیمان و مشاوران دربار، برای شاهین گریزان از پرواز کاری کنند. اما هیچکدام از این تدبیرها کارگر نیفتاد. عاقبت پادشاه دستور داد در شهر جار بزنند هر کس بتواند شاهین را به پرواز درآورد پاداش خوبی دریافت خواهد کرد. صبح روز بعد به پادشاه خبر دادند شاهین دوم با چالاکی تمام در باغ در حال پرواز است. پادشاه که از شنیدن این خبر بسیار خوشحال شده بود دستور داد تا معجزه‌گر شاهین را نزد او بیاورند. درباریان پیرمرد کشاورزی را نزد پادشاه آوردند و گفتند اوست که شاهین را به پرواز درآورده است. پادشاه از پیرمرد پرسید: «آیا تو شاهین ما را به پرواز درآوردی؟ چگونه این کار را کردی؟ شاید جادوگر هستی؟» کشاورز با لبخند جواب داد: «اینطور نیست. در واقع کار ساده‌ای بود. من فقط شاخه‌ای را که شاهین روی آن نشسته بود بریدم. شاهین فهمید که بال دارد و شروع به پرواز کرد.»

تقویم تاریخ

رخداد

- قتل‌عام مردم کرمان به دست سپاهیان **آغامحمدخان** قاجار (۱۱۷۳ خورشیدی)
- شکست نیروهای نظامی دولت واشنگتن به فرماندهی ژنرال جورج کروک از ۱۵۰۰ **سرخپوست** بومی آمریکایی از قبایل سووشیان (۱۸۷۶ میلادی)
- ورود **مجسمه آزادی** با کشتی به نیویورک، به‌عنوان هدیه فرانسوی‌ها به ایالات متحده (۱۸۸۵ میلادی)
- تعطیلی **بازار تهران** در اعتراض به استبداد محمدعلی شاه قاجار و تجمع مردم در بهارستان (۱۲۸۷ خورشیدی)
- گذر **امیلیا ارهارت** از عرض اقیانوس اطلس، به‌عنوان اولین زن هوانورد، پس از ۲۰ ساعت و ۴۰ دقیقه پرواز (۱۹۲۸ میلادی)
- ممنوعیت به کار بردن **گیوتین** برای اعدام، پس از یک قرن و نیم (۱۹۳۹ میلادی)
- تحویل جزیره اشغال‌شده **اوکیناوا** به ژاپن از سوی ایالات متحده، به شرط حفظ پایگاه نظامی این کشور در جزیره (۱۹۷۱ میلادی)
- اطلاق واژه **امپراتوری شر** از سوی دونالد ریگان رئیس جمهوری وقت آمریکا به شوروی، در سازمان ملل (۱۹۸۲ میلادی)

طلوع

- **ادوارد یکم** - پادشاه انگلستان، معروف به ادوارد پادراز، تسخیرکننده ولز و اسکاتلند (۱۲۳۹ میلادی)
- **ایگور استراوینسکی** - آهنگساز روس، از تأثیرگذارترین و مهم‌ترین آهنگسازان قرن بیستم (۱۸۸۲ میلادی)
- **موریس اشر** – نقاش و گرافیست هلندی، خالق آثار هنری ملهم از ریاضی (۱۸۹۸ میلادی)
- **محمد البرادعی** - سیاستمدار مصری، برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۰۵، دبیرکل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (۱۹۴۲ میلادی)

غروب

- **ممتاز محل** - همسر ایرانی شاه‌جهان از پادشاهان گورکانی هند، مدفون در عمارت تاج محل (۱۶۳۱ میلادی)
- **عباس مسعودی** - بنیانگذار و مدیر موسسه اطلاعات، در سن ۷۳ سالگی و در دفتر کار خود (۱۳۵۳ خورشیدی)

نگاه

لطفا کمی به توسعه فکر کنیم

دکتر نادر هوشمندیار
استاد دانشگاه

این روزها که از هر گوشه و کناری بحث تحریم‌ها سرک می‌کشد و هر شهروند، اعم از این که چقدر تحریم‌ها بتوانند در زندگی و محیط او اثر بگذارند، درباره این پدیده تحمیلی سخن می‌گوید، گاهی اوقات یکی مثل من که معلم است و با شاگردانش شاخص‌های اقتصادی را در دانشکده وجب می‌گیرد، دلش می‌خواهد از دست این تحریم‌ها تا آن‌جا که می‌تواند بلند نعره بزند تا کمی سبک شود. با خودم می‌گویم وقتی ما این‌گونه هستیم وای به حال مدیران اجرایی که باید بعد از چند سال مانور تحریم‌های تحمیلی، اوضاع اقتصاد کشور را کنترل کنند. این روزها البته زیاد می‌شنویم که رئیس دولت هم از دست تحریم‌ها به ستوه آمده است و گروهی صرفا با نگاه سیاسی این به ستوه آمدن را جدی نمی‌گیرند، اما واقعیت آن است که تحریم‌ها به دلیل ضعف مدیریت اجرایی و مدیریت توسعه اقتصادی کشور در چند سال گذشته، توانستند به خوبی خود را به ایران تحمیل کنند و حالا توسعه کشور را در بدترین شرایط قرار داده‌اند. در واقع این پدیده یک اعلان جنگ نرم به توسعه ایران است که براساس مدل رفتاری دنیای امروز با چیزی جز عقلانیت و تدبیر و همچنین دیپلماسی و رایزنی‌های اقتصادی نمی‌توان در این نزاع میدان‌دار شد و به پیروزی هم اندیشه کرد. درواقع می‌توان گفت با یکی از سلاح‌های مختص دنیای امروز به ما تاخته‌اند وزمانی هم که این تاخت صورت گرفته است، مدیران و تصمیم‌گیران اجرایی توانایی لازم را برای تجهیز ساختارهای اقتصادی کشور نداشته‌اند. یعنی از یک سو به ما تاخت شده است و از سوی دیگر به دلیل این ناتوانی اجرایی، منابع نیز در بهترین روزهای نفتی کشور گرفتار ناکارآمدی شده‌اند. حالا مدیران امروزی با این ویترین مواجه‌اند که هم در معرکه تحریم‌های تحمیلی قرار گرفته‌اند و هم مدیران قبلی تکیه‌گاهی قابل اعتنا برای مواجهه با این تحریم‌ها باقی نگذاشته‌اند. پس در دنیایی که همه با سرعت نور در حال سبقت گرفتن از یکدیگر یا رقابت برای توسعه بهتر هستند، در چنین آشفته بازاری بهترین کار شاید حداقل این باشد که مدیران دولتی را وقتی از این تحریم به ستوه آمده‌اند، مورد تمسخر قرار ندهیم. واقعیت آن است که این مدیران در بدترین شرایط وظیفه مقابله با یورش‌های تحمیلی را به عهده گرفته‌اند و برای همین نیاز دارند تا یک «همه با هم بودنی» آنها را در مقابله با گردن‌کش‌های دنیای امروز یاری رساند. باور کنید وقت تنگ است. تکنولوژی و توسعه هر روز در جهان ما چیز تازه‌ای برای تجربه کردن دارد و کشورهای زیادی نیز سعی دارند تا بهترین توشه را از این تجربه‌ها برای خود بردارند. ما نیز باید بشتابیم. حتما نسل‌های آینده به توسعه پویا و نوین نیاز دارند که هر ثانیه آن میلیاردها دلار ارزش دارد و در حال حاضر تحریم‌های تحمیلی در مقابل پتانسیل‌های عظیم ما مانع بهره‌برداری از این تجربه‌ها شده‌اند. فقط به توسعه و آینده سرزمین خود فکر کنیم. آن وقت شاید دیگر برایمان راحت نباشد که کلافگی مدیران اجرایی را در مقابل تحریم تمسخر کنیم.

فوکوس ...

۲ سال پیش، برابر با بیست و هفتم خرداد ۱۳۹۲ خورشیدی، جلیل شهناز، از سرشناس‌ترین نوازندگان تار و سه‌تار تاریخ موسیقی ایران، پس از یک دوره بیماری در بیمارستان آراد تهران در ۹۲ سالگی درگذشت. جلیل شهناز، سال ۱۳۰۰ خورشیدی در اصفهان به‌دنیا آمد. تقریباً همه اعضای خانواده او با موسیقی آشنایی داشتند. شهناز نواختن تار را نزد عبدالحسین شهنازی و برادر بزرگ خود حسین شهناز آغاز کرد. پشتکار و استعداد او به‌حدی بود که در سنین جوانی از نوازندگان خوب اصفهان شد. شهناز در دهه ۶۰ خورشیدی همراه با فرامرز پایور (سنتور)، علی اصغر بهاری (کمانچه)، محمد اسماعیلی (تنبک) و محمد موسوی (نی) «گروه اساتید موسیقی ایران» را تشکیل داد و با این گروه، مسافرت‌های متعددی به‌کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکا داشت. او در سال ۱۳۸۳ به‌عنوان چهره ماندگار هنر و موسیقی برگزیده شد. محمدرضا شجریان، در سال ۱۳۷۸ گروه همکار خود را به افتخار این استاد برجسته، شهناز نام گذاشت.

آب و هوا

اراک	۳۵	۱۲
اردبیل	۲۶	۹
ارومیه	۳۰	۱۳
اصفهان	۳۷	۲۴
اهواز	۴۳	۲۸
ایلام	۳۸	۱۸
بجنورد	۳۶	۱۶
بندرعباس	۴۰	۲۸
بوشهر	۳۸	۲۸
بیرجند	۳۲	۱۱
تبریز	۳۴	۲۳
تهران	۳۶	۲۳
خرم‌آباد	۳۹	۱۷
زاهدان	۳۹	۲۰
زنجان	۳۵	۱۱
سنندج	۳۸	۱۳

... تداوم رگبار و گرد و خاک

بر اساس اطلاعات دریافتی از نقشه‌های پیش‌یابی، برای امروز در برخی نقاط شمال غرب، رگبار موقتی باران، گاهی همراه با رعد و برق پیش‌بینی می‌شود. همچنین در طول روز شاهد وزش باد و پدیده گرد و خاک در مناطقی از استان‌های واقع در شمال شرق و شرق کشور خواهیم بود.

کمینه و بیشینه هوای تهران امروز به ۲۳ تا ۳۶ درجه بالای صفر می‌رسد و نقشه‌های هواشناسی نشان می‌دهند، آسمان تهران در این روز صاف گاهی با وزش باد خواهد بود. کمینه و بیشینه هوای تهران روز پنج‌شنبه این هفته به ۲۴ تا ۳۷ درجه بالای صفر می‌رسد که آسمان تهران نیز در این روز صاف، در بعدازظهر با افزایش ابر پیش‌بینی می‌شود.

بنا بر اعلام مرکز کنترل و پایش محیط زیست کشور، شاخص کیفیت هوای تهران به دلیل گرد و غبار و افزایش غلظت آلاینده‌ها، در شرایط ناسالم برای گروه‌های حساس قرار گرفت. بر همین اساس میزان غلظت آلاینده ذرات معلق با قطر کمتر از ۲/۵ میکرون، نسبت به روز دوشنبه با ۱۳ عدد افزایش فراتر از حد مجاز بوده و بر روی عدد ۱۴۶ قرار گرفت.

همچنین در همین مدت میزان غلظت ذرات معلق کمتر از ۱۰ میکرون از ۹۰ به ۱۰۶ و دی اکسیدگوگرد از ۲۳ به ۲۴ افزوده شده است. از سوی دیگر میزان غلظت منواکسیدکربن نیز از ۴۱ به ۳۵، اوزون از ۵۴ به ۳۳ و دی اکسیدنیتروژن از ۵۷ به ۴۸ کاسته شده است.

ایستگاه‌های دانشگاه علم وصنعت (منطقه ۴) با ۱۷۵، شهرداری منطقه ۱۶ با ۱۶۹ و پارک شکوفه (منطقه ۱۴) با ۱۶۴ آلوده ترین مناطق شهرستان تهران در ۲۴ ساعت گذشته بودند. بر این اساس ایستگاه‌های تربیت مدرس (منطقه ۳) با ۱۰۵، پونک (منطقه ۵) با ۱۱۱ و اقدسیه (منطقه ۱) با ۱۳۱ نیز مناطق کمتر آلوده شهر تهران در این مدت بودند.

در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشینه دمای ۴۳ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای ۸ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور بوده‌اند. طی روزهای گذشته اردبیل و چهارمحال و بختیاری، سردترین و هرمزگان و خوزستان، گرم‌ترین استان‌های ایران بودند.

شهرکرد	۳۴	۸
قزوین	۳۶	۱۶
کرمانشاه	۳۸	۱۳
کرمان	۳۳	۱۸
گرگان	۳۰	۲۰
رشت	۳۰	۲۰
ساری	۳۱	۲۳
کرج	۳۷	۱۹
شیراز	۳۸	۲۶
سمنان	۳۶	۲۴
همدان	۳۶	۱۰
قم	۴۲	۲۳
مشهد	۳۲	۱۸
یاسوج	۳۴	۱۶
یزد	۴۰	۲۶
ابوموسی	۳۸	۳۱